

حفظ همزمان مزیت‌های کمونیسیم و لیبرالیسم

هوش مصنوعی خیلی سریع‌تر از آنچه تصور می‌شد مرزهای تاثیر و حاکمیت خود را گسترده است

حامد اکبری

در صفحه اقتصادی سایت project-syndicate.org به تاریخ ۲۸ ژوئن ۲۰۲۳ یادداشتی از اندیشمند گرانقدر داوود عجم‌اوغلو، اقتصاددان برجسته منعکس شده بود که در این یادداشت بنا دارم نقدی را پیرامون این یادداشت از حیث و نگاه اقتصاد اطلاعات ارائه کنم. نگارنده مقاله «آیا با هوش مصنوعی کمونیسیم ممکن است؟» توجه خوانندگان را به احتمال شکل‌گیری یک یا چند قدرت متمرکز در حوزه هوش مصنوعی جلب کرده و نگرانی خود را با پیشنهاد قانونگذاری و تنظیم‌گری بالادستی اعلام می‌کند. داوود عجم‌اوغلو با اشاره به اندیشه‌های هایک تمرکززدایی را به عنوان راه‌حلی برای مشکلی که عدم تقارن اطلاعاتی و دیتاهای لحظه‌ای و مطمئن و عدم وجود مکانیسم داده‌برداری یا دریافت همگی داده‌های مرتبط و البته فقدان وجود یک پردازشگر قدرتمند که همه آنها را به فرض وجود تحلیل کند، ارائه می‌کند و با نگاه بازار آزاد آن را ملازم می‌بیند. حال آنکه امروزه فناوری و مشخصاً هوش مصنوعی به سادگی و کیفیت هر چه تمام‌تر هم امکان جمع‌آوری داده‌های بسیار باکیفیت و لحظه‌ای و روزآمد را ممکن کرده و هم GPU‌های قدرتمند هرگونه ضعف در پردازش را مرتفع و در زمان بسیار کوتاهی پردازش‌های بسیار عظیم را ممکن کرده است. حال که این امکان وجود دارد، نگرانی مهمی از سمت شرکت‌ها یا غول‌های فناوری دنیا مثل گوگل، مایکروسافت و شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و فیس‌بوک و توییتر تولید می‌شود که باز همان تمرکز هایک و سایر اقتصاددانان طرفدار آزادی اقتصادی و بازار آزاد و ضد قانونگذاری حاصل خواهد شد و این نگرانی تا به حد کمونیسیم ممکن است پیش برود. البته داوود عجم‌اوغلو در ویرای استدلال خود در نظر دارد که این

پردازش و این کیفیت اطلاعات و این شرکت‌های بزرگ فناوری حتی با وجود تعداد محدودشان لزوماً نتیجه بدی را تولید نخواهند کرد و در این میانه پیشنهاد رگولاتوری در حوزه هوش مصنوعی را می‌دهد. او معتقد است امروزه هوش مصنوعی و فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند با دقت تمام داده‌ها و اطلاعات پراکنده موضوعات و افراد مختلف حتی با نظام ترجیحات آنها را جمع‌آوری و به‌طور متمرکز پردازش کند و بهترین نتیجه را در بر داشته باشد. در ادامه در چند سطر تلاش می‌کنم ابعاد مغفول واقع شده در استدلال آقای عجم‌اوغلو را برشمرده و سناریوی محتمل دیگری را ارایه دهم. در روزگاری زیست می‌کنیم که هوش مصنوعی در نهایت قدرت و کیفیت خود را به صورت عمومی اثبات کرده و ظرف مدت کوتاهی مخصوصاً یکسال اخیر توانسته تا حد زیادی فانتزی‌هایی که در مورد هوش مصنوعی و رباتیک حدس زده می‌شد را عملیاتی کرده و هر روزه هم هیجان‌انگیزتر ظاهر می‌شود. اتفاق مهمی افتاده است، هوش مصنوعی خیلی سریع‌تر از آنچه تصور می‌شد مرزهای تاثیر و حاکمیت خود را گسترده است. چیزی شبیه سونامی که در دهه پیش توسط شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها رخ داد. در آن عرصه ظهور اسمارت‌فون‌ها زمینه را برای آن تغییر شگرف فراهم کردند و اکنون قدرت پردازش بالایی GPU‌های جدید به جای CPU‌های نسل قبل زمینه را برای هرگونه انتظاری از هوش مصنوعی مساعد کرده است. اما به نظر من چند موضوع در این سیر تطور لزوماً با تعریفی که در مقاله «آیا کمونیسیم با هوش مصنوعی شدنی است» مغایرت دارد. اساساً این برداشت بر مبنای یک پیش‌فرض نادرست بنا شده و آن این است که صاحب اطلاعات در پلتفرم‌های غول‌های فناوری، آن شرکت‌ها هستند. حال آنکه درست و دقیق آن است که هر اطلاعات یا دیتایی از کاربران و خدمات‌گیرندگان در سایت‌ها وارد می‌شود، وجود دارد یا پردازش و داده کاوی می‌شود اساساً متعلق به شخص حقیقی صاحب داده است. این رویکرد بسیار مهمی است که بسیاری از اسناد مرتبط با حفاظت اطلاعات حریم شخصی مثل GDPR به آن تصریح کرده‌اند. به عبارت دیگر مالکیت داده‌های موجود در شرکت‌های بزرگی مثل گوگل و توئیتر و فیس‌بوک اساساً به آنها تعلق نداشته و در صورت عدم وجود اجازه رسمی از کاربر، به هیچ عنوان حق استفاده مستقل از آن داده‌ها را ندارد و در صورت تجمع داده‌ها به هدف‌های تجاری موازی و نگهداشت آن تا مدت زیادی تخلف محسوب شده و جریمه‌های بزرگی برای متخلفین در نظر گرفته شده است.

البته نیک می‌دانیم این برداشت و رویکرد عمومیت ندارد و هنوز حتی خود کاربران هم چنین تصویری از مالکیت داده‌های خود ندارند و به نظر می‌رسد مدتی طول بکشد که این تغییر رویکرد عمومی شود. به نظر نگارنده اتفاقی که به زودی خواهد افتاد یا به عبارت دیگر بهتر

است اتفاق بیفتد، گرم شدن بازار کسب درآمد از داده‌های شخصی یا `personal data monetization` است. البته پلتفرم‌هایی اینجا و آنجا سعی کرده‌اند بستری برای دریافت پول بابت آرایه داده‌های شخصی ایجاد کنند ولی این موضوع تا به یک مطالبه عمومی تبدیل نشود و غول‌های فناوری را مجبور به تمکین از شریک کردن صاحب داده‌ها و مردم در تجارت اطلاعاتی که در حال انجام است نکند، این موضوع حل نخواهد شد. ولی با حضور هوش مصنوعی و پردازشگرهای تجاری و عمومی شده عملاً ظرفیت جمع‌آوری و پردازش دایمی و عمومی داده‌ها فراهم می‌شود که احتمالاً پلتفرم‌هایی که

`personal data monetization` (ایجاد دارایی از اطلاعات) را نداشته باشند اگر کاربران خود را از دست ندهند دست‌کم ارزش و کیفیت داده‌های آنها دچار تردید جدی می‌شود و اگر این مطالبه عمومی‌تر شود می‌توان پیش‌بینی کرد که مردم دیگر به سادگی قبل داده‌های خود را در اختیار پلتفرم‌ها قرار ندهند. اگر چنین شود می‌توان امیدوار بود که مزایای اندیشه کمونیسیم که مهم‌ترین آن بهره‌مندی عمومی و مساوی در استفاده از فرصت‌ها برای همه حفظ شده و همچنین غیرمتمرکزسازی در بالاترین سطح و دموکراتیک‌ترین حالتش هم اتفاق خواهد افتاد که از محوری‌ترین موضوعات اندیشه لیبرالیسم است. به عبارت دیگر هر کس صاحب اطلاعات خودش در پروفایل خودش است و صرفاً به پلتفرم‌ها، `API` (رابط عملیات دسترسی) اطلاعات شخصی‌اش را برای هر بار و فقط در حد لزوم و

در ازای دریافت هزینه اطلاعات یا سهمی از ارزش افزوده و سود ایجاد شده از اطلاعات فرد را در اختیار وی قرار می‌دهد. این عدم تمرکز همچنان می‌تواند مکانیسم بازار را آنچنانکه هایک توقع داشت حفظ کرده و به انباشت اطلاعات و داده‌های تمیز، باکیفیت و روزآمد و لحظه‌ای کمک کند.

لازم به ذکر است که زیرساخت و لازمه این موضوع وجود زیرساخت «هویت دیجیتال به مثابه پلتفرم» است که قابلیت دریافت دسترسی از آن در قالب `API`ها را دارد. به عبارت دیگر هر کسی برای تعامل با پلتفرم‌ها، نه از طریق موتورهای جست‌وجوگر، بلکه توسط پروفایل شخصی که پلتفرم‌ها فقط احراز می‌کنند با آنها ارتباط می‌گیرد و به جای ورود اطلاعات، دسترسی اطلاعات لازم را به پلتفرم‌ها و آن هم در ازای دریافت هزینه آن را ایجاد خواهد کرد.

این مدل مشکل رفت و آمد بین پلتفرم‌های مختلف را هم حل خواهد کرد و کاربران را از وفاداری صددرصد به یک پلتفرم واحد رها خواهد کرد و همین موضوع هم در عدم تمرکز کمونیستی پلتفرم‌ها موثر خواهد بود. در روزگاری که الگوریتم‌ها و موتورهای هوش مصنوعی با قدرت بالای

پردازشگرها و سرعت بالاي انتقال و داده برداري و ابرهاي اطلاعاتي در دسترس است، منطقي است هر هويت فردي ديگيتال به مثابه يك پلتفرم مستقل به آن ابرهاي اطلاعاتي پردازنده از طريق API دسترسي داشته باشد و فوايد استفاده از اطلاعات شخصي را خود کاربران ببرند و لازم نباشد براي استفاده از ظرفيتهاي هوش مصنوعي و داده كاويهاي بعدي به پلتفرمهاي غولهاي فناوري وابسته باشند. البته طبيعي و بديهي است كه سردمداران ظرفيتسازي براي personal data monetization قاعدتا خود همين پلتفرمهاي معروف مثل گوگل و توييتر و فيس بوك خواهند بود فقط اين بار و در پارادايم جديد خود مردم و کاربران را هم در سود درآمد ناشي از تجمع و داده كاوي دادههاي شخصي شريك ميكنند. باز هم ميشود به دست پنهان در بازار آزاد اقتصاد اطلاعات اعتماد كرد. پژوهشگر اقتصاد اطلاعات

م: : 19 1402